

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۲۱S۰D۱۸SH۱۰۹۷۷۰ ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

بررسی موافقتنامه استرداد مجرمین بین دول ایران و عراق

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۶/۱۸)

محمدباقر سلیمانی^۱

کیومرث کلانتری

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مازندران و استاد دانشگاه مازندران

چکیده

فرار از تحمل کیفر بالاخص زمانی که مجازات سنگین باشد امری طبیعی است. با اینکه تمهیداتی در خصوص جلوگیری از فرار مجرمین در هر کشوری اندیشیده شده است لیکن فرار مجرمین از کشور به دلیل توسعه وسایل ارتباطی و سایر مسائل مرتبط با مسافرت به کشورهای خارجی، امری شایع است که دولت ها با انعقاد قرارداد استرداد مجرمین با سایر دول سعی در باز پس گیری مجرم، از کشوری که به آنجا گریخته است را دارند. کشور عراق به دلیل همسایگی و داشتن ۱۶۰۹ کیلومتر خط مرزی با ایران گزینه مناسبی برای فرار مجرمین است. از این رو ابتدا در سال ۱۳۰۱ موافقتنامه موقت در خصوص استرداد مجرمین و پس از آن قرارداد استرداد مجرمین در سال ۱۳۹۱ بین دو دولت منعقد شد. در این نوشتار سعی در بررسی قرارداد اخیر که هم اکنون ملاک استرداد می باشد و موضوعات آن از جمله موارد استرداد، رد درخواست استرداد، روش استرداد و نحوه اجرای آن را داریم.

واژگان کلیدی: اتباع، استرداد مجرمین، صلاحیت، مجرمیت متقابل، موافقتنامه

با گسترش و توسعه روزافزون وسایل ارتباطی و حمل و نقل جاده ای و هوایی و دریایی، مسافرت از کشوری به کشور دیگر نسبت به گذشته با سهولت بیشتری انجام و این امر فرار مجرمین را فراهم کرده است. با فرار مجرمین به کشور دیگر در صورت عدم توانایی باز پس گیری مجرم، اجرای مجازات جرایم سنگینی مثل قتل و آدم ربایی و فساد های مالی کلان عقیم مانده و این امر خدشه جبران ناپذیری به عدالت وارد می کند. به همین دلیل ساز و کار استرداد مجرمین توسط دولت ها به وجود آمده تا با تنظیم و انعقاد معاهده نامه ها و قرارداد هایی با سایر دول، مجرمین متواری از کشور را باز پس گرفته و مجازات مقرر را در حق آن ها اعمال نمایند. استرداد در لغت به معنی پس گرفتن است (معین، ۱۳۷۷: ذیل واژه). حقوقدانان استرداد را اینگونه تعریف کرده اند: «استرداد عبارت از باز پس گرفتن متهم یا مجرم از کشوری است که پس از ارتکاب از آنجا گریخته است.» (پوربافرانی، ۱۳۹۸: ۲۱۲). این باز پس گرفتن باید توسط کشوری صورت گیرد که یا جرم در سرزمین آن واقع شده است (صلاحیت سرزمینی) یا مجرم تابعیت آن ها را داشته است (صلاحیت شخصی فعال) یا جرم ارتكابی نسبت به تبعه آن ها واقع شده باشد (صلاحیت شخصی منفی) و یا جرم علیه منافع اساسی و حیاتی آن واقع شده (صلاحیت واقعی) و. به هر حال دولتی که خواهان استرداد است بایستی یک رابطه ای با جرم یا مجرم یا مجنی علیه داشته باشد تا بتواند تقاضای استرداد او را بنماید (همان). بحث استرداد مجرمین در حقوق ایران سابقه ای کمتر از یک قرن دارد. قانون استرداد مجرمین نیز در سال ۱۳۳۹ تصویب شد که بر اساس ماده ۱ این قانون «در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده و یا اگر منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد». بنا براین ماده معلوم می شود که «سر منشا و منبع حقوقی استرداد در کشور ما قرارداد هایی است که بین دولت ایران و دولت های دیگر منعقد می گردد. ولی هرگاه بین دولت ایران با کشوری

قرارداد استرداد منعقد نشده باشد و یا آنکه قرارداد شامل کلیه شرایط لازم نباشد، مقررات مندرج در قانون استرداد سال ۱۳۳۹ حاکم بر استرداد خواهد بود. به همین جهت با آنکه دولت ایران با بسیاری از کشورها قرارداد منعقد نموده است، مع هذا به موجب همین قانون و با تعهد به اصل عمل متقابل تا به حال عمل استرداد را انجام داده است» (محسنی، ۱۳۷۶: ۴۰۸). اولین توافق دولت ایران و عراق در زمینه استرداد مجرمین مربوط به موافقتنامه موقت مصوب سال ۱۳۰۱ می باشد (کلانتری، ۹۴: ۱۳). پس از آن قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق در سال ۱۳۹۱ در بیست ماده به تصویب رسید که در آن به امر مهم استرداد مجرمین و ساز و کار آن بین دو کشور پرداخته شده است و هم اکنون ملاک عمل می باشد. وفق این موافقتنامه دو طرف متعهد متعهد می شوند که حسب درخواست طرف متعهد دیگر اشخاص متهم یا محکوم شده از سوی مراجع صلاحیت دار طرف متعهد دیگر که در قلمرو آن یافت می شوند را به سبب ارتکاب جرم یا اجرای مجازات، به طرف متعهد دیگر مسترد دارند. بدیهی است که استرداد وفق این موافقتنامه انجام خواهد شد و در صورتی که مقررات مندرج در آن رعایت نشود استرداد انجام نمی شود. در صورتی هم که امری در این موافقتنامه پیش بینی نشده باشد دولت ایران وفق قانون استرداد مجرمین اقدام خواهد کرد. بنابراین بررسی این قرارداد جهت اجرای صحیح آن در خصوص استرداد مجرمین امری ضروری است. در این نوشتار سعی در بررسی مواد این موافقتنامه و ساز و کارهای پیش بینی شده در آن جهت استرداد مجرمین را داریم.

بخش اول: بررسی و شناخت موارد استرداد مجرمین

در ماده ۲ قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق بیان شده است: استرداد در موارد زیر انجام می پذیرد ۱ - درخواست استرداد به لحاظ ارتکاب اعمالی باشد که مطابق قانون هر دو طرف متعهد جرم محسوب شود و مجازات سالب آزادی حداقل به مدت یک سال داشته باشد ۲- استرداد محکومی درخواست شده باشد که عمل

ارتكبابی و مجازات آن مطابق بند (۱) همین ماده بوده و حكم سالب آزادی كه مدت آن کمتر از شش ماه نباشد صادر شده باشد.

شخصی كه تقاضای استرداد وی شده است ممكن است متهم یا محكوم باشد. چنانچه پرونده شخص در مرحله تعقیب و دادرسی باشد و منتهی به حكم قطعی نشده باشد، مجازات قانونی عمل ارتكابی توسط متهم بایستی يك سال یا بیشتر از آن باشد تا تقاضای استرداد انجام شود. با عنایت به اینکه مجازات اكثر جرایم تعزیری دارای حداقل و حداكثر می باشد این سوال پیش می آید كه ملاك برای تحقق بند يك ماده ۲، حداقل مجازات است یا حداكثر آن؟ به عبارت دیگر حداقل مجازات نباید کمتر از يك سال باشد یا حداكثر آن؟ با عنایت به اینکه حداكثر مجازات نیز مجازات قانونی محسوب می شود و حتی وفق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ملاك درجه بندی مجازات ها نیز حداكثر آن است به نظر می رسد كه «حداكثر مجازات» نباید کمتر از يك سال باشد. به عبارت دیگر حداكثر مجازات سالب آزادی بایستی حداقل يك سال باشد. چنانچه پرونده منتهی به صدور حكم قطعی شده باشد بند ۲ ماده ۲ حاكم است. در این صورت حكم صادره باید از نوع سالب آزادی و مدت آن شش ماه یا بیشتر از آن باشد. در این بند مجازات قضایی ملاك است؛ علاوه بر اینکه شرایط بند ۱ نیز بایستی محقق باشد. به عبارت دیگر مجازات قانونی نباید کمتر از يك سال باشد و مجازات قضایی بایستی شش ماه یا بیشتر از آن باشد. برای مثال چنانچه حكم سالب آزادی شخصی بیشتر از شش ماه صادر شده باشد لیکن مجازات قانونی آن کمتر از يك سال باشد یا اگر مجازات قانونی بیشتر از يك سال باشد لیکن حكم سالب آزادی کمتر از شش ماه صادر شده باشد یا احكامی كه ماهیت سالب آزادی ندارند مثل جایگزین حبس یا تعلیق مجازات صادر شده باشد استرداد امکان پذیر نیست. یکی از ایرادات وارده به این موافقتنامه این است كه مجازات های قانونی و قضایی را منحصر به مجازات سالب آزادی (حبس) کرده است و مجازات های سنگینی مثل قصاص عضو و یا شلاق های حدی را از شمول آن خارج کرده است. هر چند كه مجازات های سنگین تری مثل قصاص نفس یا اعدام نیز سالب آزادی محسوب نمی شوند لیکن از آنجا كه

این مجازات ها سالب حیات هستند به طریق اولی در شمول ماده ۲ قرار خواهند گرفت. موارد استرداد مذکور در ماده ۲ موافقتنامه منطبق با برخی از اصول حاکم بر قراردادهای استرداد مجرمین در حقوق کیفری بین الملل است که به شرح ذیل به آن پرداخته می شود.

بند اول: اصل عدم استرداد در جرایم و مجازات های کم اهمیت

استرداد مجرمین هزینه بر است و مقامات وزارت خارجه و قوه قضائیه دو طرف درگیر آن می شوند. به همین دلیل فرض بر این است که هزینه استرداد در جرایم کم اهمیت بیشتر از نفع آن است لذا در معاهدات پیش بینی می شود که جرایم کم اهمیت قابل استرداد نیست (پوربافرانی، ۱۳۹۸، ۲۱۹). در ماده ۲ موافقتنامه بین ایران و عراق نیز این اصل رعایت شده است که توضیح آن در قسمت قبل داده شد. با توجه به اینکه طبق ماده فوق تنها در جرمی که مجازات آن سالب آزادی باشد، قابلیت استرداد متهم یا محکوم آن وجود دارد؛ مجازات های سبکی مثل جزای نقدی و شلاق و حبس های کمتر از شش ماه مشمول استرداد نمی باشد. وفق ماده ۴ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ نیز این اصل به این شرح که مجازات باید جنایی یا جنبه ای باشد که مجازات قانونی آن کمتر از یک سال نباشد و در صورت محکومیت میزان آن بیشتر از دو ماه باشد پذیرفته شده است. این اصل در سایر قرارداد های بین ایران و سایر دول راجع به استرداد مجرمین پیش بینی شده است. مثلاً در ماده ۲ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و آذربایجان نیز مجازات قانونی بایستی حداق یک سال و مجازات قضایی حداقل شش ماه باشد. ماده ۲ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و ازبکستان، بند «ب» ماده ۴۹ موافقتنامه استرداد مجرمین ایران و روسیه، ماده ۲ عهدنامه استرداد مقصرین بین ایران و ترکیه و بند ۲ ماده ۵۵ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و روسیه بر این شرط تاکید دارند.

بند دوم: اصل مجرمیت متقابل

یکی دیگر از اصول حاکم بر قراردادهای استرداد مجرمین اصل مجرمیت متقابل است که از نشانه های احترام به اصل حاکمیت می باشد. توضیح اینکه قوانین جزایی یک کشور بیانگر

ارزش های اساسی حاکم بر آن کشور است. بدیهی است اگر عملی جرم انگاری نشده و قابل مجازات نباشد از دیدگاه کشور مربوطه ارزش مهم و اساسی به شمار نمی آید. با این حال اگر کشوری که عملی را جرم نمی داند تبعه کشور دیگری را که در قلمرو او یافت شده به دلیل ارتکاب آن عمل (که از دید قوانین او مباح است) در اختیار مقامات کشوری که آن عمل را جرم می داند قرار دهد، امر معقول و منطقی به شمار نمی آید و یک نوع دهن کجی به قوانین کیفری و ارزش های مورد حمایت او به شمار می آید (همان: ۲۲۰). در ذیل ماده ۴ قانون استرداد مجرمین ایران مصوب ۱۳۳۹ نیز این اصل به این شرح که عمل ارتكابی وفق قوانین ایران نیز باید مستلزم مجازات جنایی یا جنحه ای باشد پذیرفته شده است. در سایر قراردادهای استرداد مجرمین نیز به این اصل اشاره شده است. برای مثال در بند «الف» ماده ۲ موافقتنامه بین ایران و ازبکستان بیان شده است که تقاضای استرداد بایستی به لحاظ ارتکاب جرایمی باشد که مطابق قانون هر دو کشور قابل مجازات باشد. وفق بند ۲ ماده ۵۵ موافقتنامه بین ایران و روسیه نیز استرداد برای رسیدگی به اعمالی صورت می گیرد که مطابق قوانین طرفین متعاقد جرم محسوب شده باشد. در بند «الف» ماده ۲ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و آذربایجان، بند ۱ ماده ۳ قانون استرداد مجرمین بین ایران و فرانسه و بند الف ماده ۲ عهدنامه استرداد مقصرین ایران و ترکیه نیز بر این اصل تاکید دارد. در موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق نیز این اصل لحاظ و در ماده ۲ آن بیان شده است عمل در قوانین هر دو طرف متعاقد بایستی جرم محسوب شود تا استرداد امکان پذیر شود که این در واقع اشاره به اصل مجرمیت متقابل دارد.

بخش دوم: امتناع از استرداد

وفق ماده ۳ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق در موارد زیر درخواست استرداد رد خواهد شد: الف - شخصی که استرداد او درخواست شده در زمان ارتکاب جرم، تبعه طرف متعاقد درخواست شونده باشد. ب - جرمی که موجب درخواست استرداد شده به موجب قوانین طرف متعاقد درخواست شونده، جرم سیاسی یا نظامی باشد. پ - کلاً یا قسمتی از جرم در قلمرو طرف متعاقد درخواست شونده یا در مکانی که در صلاحیت قضایی آن است واقع

شده باشد. ت - طبق قوانین و مقررات یکی از طرف های متعاقد، موضوع قابل تعقیب و یا حکم قابل اجراء نباشد. ث - در صورتی که یکی از طرف های متعاقد، استرداد را مخالف حاکمیت، امنیت، نظم عمومی یا قانون اساسی خود بداند.

بخش دوم: عدم استرداد به دلیل تابعیت فرد مورد تقاضا (اصل عدم استرداد اتباع)

چنانچه تقاضای یکی از طرفین متعاقد مبنی بر استرداد فردی باشد که تبعه طرف متعاقد درخواست شونده باشد تقاضای استرداد رد می شود چرا که از قدیم تا به امروز این قاعده در روابط دولت ها وجود داشته که تبعه خود را به دولت دیگر جهت انجام محاکمه مسترد نمی کرده اند این به دلیل اولاً حمایت از اتباع و ثانیاً صلاحیت خود طرف متعاقد درخواست شونده به رسیدگی بر مبنای صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزهکار می باشد. این موضوع معمولاً در قراردادهای استرداد مجرمین بین ایران و سایر دولت ها رعایت شده و به اصل عدم استرداد اتباع معروف است. در موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق نیز به این اصل توجه شده است و چنانچه فردی که تقاضای استرداد وی شده است تبعه طرف متعاقد درخواست شونده باشد وفق بند الف ماده ۳ تقاضای استرداد رد می شود. در ماده ۳ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ نیز یکی از شرایط استرداد را غیر ایرانی بودن فرد مورد تقاضا اعلام داشته است. در سایر قراردادهای استرداد مجرمین بین ایران و دیگر دولت ها نیز این اصل رعایت شده است. در ماده ۱ عهدنامه استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی بین دولت شاهنشاهی ایران و ترکیه مصوب ۱۳۱۶ به این امر تاکید شده است. در ماده ۲ قانون استرداد مجرمین بین ایران و فرانسه نیز این قاعده با این عبارت که: «طرفین معظمین متعاهدین اتباع کشور خود را به یکدیگر مسترد نخواهند داشت». در ماده ۱ عهدنامه استرداد مجرمین بین ایران و پاکستان و بند ۱ ماده ۳ قرارداد استرداد مجرمین بین دولت ایران و آذربایجان و نیز بند ۱ ماده ۵۶ موافقتنامه بین ایران و روسیه مصوب ۱۳۷۸ نیز بر این اصل تاکید شده است.

بند اول: عدم استرداد به دلیل نوع جرم (اصل عدم استرداد در جرایم سیاسی و نظامی)

اصل عدم استرداد در جرایم سیاسی را تقریباً تمامی کشورها پذیرفته‌اند. این امر به دلیل آن است که زیان دیده از جرم سیاسی، حاکمیت و دولت است و لذا تسلیم او به حاکمیتی که مجرم سیاسی دشمن آن به شمار می‌آید خارج از قاعده انصاف است (همان: ۲۱۸). وفق بند «ب» ماده ۳ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق چنانچه جرم از زمره جرایم سیاسی یا نظامی باشد استرداد امکان پذیر نخواهد شد. تشخیص سیاسی یا نظامی بودن جرم نیز با دولت متعاقد درخواست شونده است. بنابراین ممکن است در کشور تقاضا دهنده جرم سیاسی نباشد اما در کشوری که تقاضای استرداد شده است جرم سیاسی یا نظامی محسوب شده و در نتیجه تقاضای استرداد رد شود. لیکن چنانچه در کشوری که تقاضای استرداد کرده است جرم سیاسی یا نظامی محسوب شود اما در کشور مورد تقاضا چنین نباشد استرداد امکان پذیر است چرا که در ماده فوق تنها ملاک برای عدم استرداد، سیاسی یا نظامی بودن جرم در طرف متعاقد درخواست شونده است. ماده ۸ قانون استرداد مجرمین ایران نیز یکی از موارد عدم قبول استرداد را سیاسی یا نظامی بودن جرم اعلام داشته است.

بند دوم: جرم سیاسی

جرم سیاسی دارای تعاریف و ضابطه‌های متفاوتی در نظام‌های حقوقی مختلف دنیا می‌باشد. از این رو شناخت جرم سیاسی در کشوری که از آن تقاضای استرداد می‌شود حائز اهمیت است. «از منظر علوم سیاسی، جرم سیاسی یک جرمی است که مرتکب آن با توسل به رفتاری، اقدام به انتقاد یا اعتراض به وضع موجود حاکمیت می‌نماید و در قبال این رفتار مجرمانه دارای انگیزه سیاسی و بهبود دادن به امور است نه کسب منافع مالی و قدرت و نظیر آن، لذا این مسیر اگر با قوه قهریه یا نزاع همراه شود با مجازات شدید عقوبت می‌شود اما اگر با آرامش نظیر بیان مطالب انتقادی در چهار چوب حزب و رسانه باشد در اکثر کشورها جرم

محسوب نمی شود» (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۷۱). در ایران جرم سیاسی در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ تعریف شده است. بر اساس ماده ۱ این قانون، هر یک از جرائم مصرح در ماده ۲ این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاستهای داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می شود. همچنین طبق ماده ۲ جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده ۱ این قانون جرم سیاسی محسوب می شوند. الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناختهشده مصوب ۷/۶/۱۳۶۰. ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهرو روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات ث - نشر اکاذیب. طبق ماده ۲۰ قانون مجازات عراق، جرایم به دو دسته جرایم عادی و سیاسی تقسیم می شوند. وفق ماده ۲۱: «الجریمة السیاسیة هی الجریمة الی ترتکب بباعث سیاسی او تقع علی الحقوق السیاسیة العامة او الفریدیة و فیما عدا ذلك تعتبر الجریمة عادیة.» وفق این ماده دو ملاک برای سیاسی محسوب شدن جرم در کشور عراق وجود دارد. اولین ملاک انگیزه فرد از ارتکاب جرم می باشد. همانگونه که قبلا توضیح داده شد چنانچه انگیزه فرد بهبود امور باشد جرم وی سیاسی محسوب می شود و استرداد وی امکان پذیر نمی باشد. ملاک دوم برای سیاسی محسوب شدن جرم این است که علیه حقوق سیاسی فردی یا عمومی جامعه باشد.

بند سوم: جرم نظامی

وفق ماده ۱ قانون جرایم نیروهای مسلح، جرم نظامی جرمی است که نظامیان در راستای وظایف خاص نظامی و انتظامی مرتکب می شوند. ماده فوق نیز نظامیان را احصاء کرده است که طبق آن کارکنان ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته، کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته، کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمانهای وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته، کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن، محصلان مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می شوند. وفق تبصره ۲ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری منظور از جرایم خاص نظامی و انتظامی نیز جرایمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات بر عهده آن است مرتکب گردند.

بخش سوم: عدم استرداد به دلیل صلاحیت طرف متعاقد در خواست شونده

در صورتی که طرف متعاقد درخواست شونده خود صالح به رسیدگی باشد این امر مانع از استرداد خواهد شد چرا که در صورت صلاحیت خود به موضوع رسیدگی خواهد کرد و استرداد مجرم به طرف متعاقد به معنی قبول صلاحیت دولت دیگر و نادیده گرفتن صلاحیت خود است که این امر مغایر به اقتدار ملی هر کشوری می باشد. در بند «پ» ماده ۳ بیان شده است در صورتی که «کلا یا قسمتی از جرم در قلمرو طرف متعاقد درخواست شونده یا در مکانی که در صلاحیت قضایی آن است واقع شده باشد». در واقع این بند ناظر بر صلاحیت سرزمینی است. در صورتی که جرم به طور کامل در قلمرو طرف مقابل واقع شده باشد شکی

در صلاحیت سرزمینی وجود ندارد. در صورتی هم که قسمتی از جرم در قلمرو طرف مقابل واقع شده باشد وفق ماده ۴ قانون مجازات اسلامی در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است. قلمرو حاکمیت نیز عبارت است از «تمام فضای جغرافیایی است که یک دولت در آن اعمال حاکمیت می کند. قلمرو حاکمیت مفهومی بسیار وسیع تر از مرزهای شناخته شده بین المللی یک کشور دارد. به این صورت که علاوه بر محدوده های داخل مرز یک کشور شامل دریاها، ساحلی، کشتی ها، هواپیماها و بعضا سرزمین های اشغال شده هم می شود. در داخل این محدوده است که یک دولت قوانین خود از جمله قوانین جزایی که مظهر حاکمیت و سیادت آن دولت است را اجراء و نقض کنندگان آن را مجازات می کند» (پوربافرانی، ۱۳۹۸: ۲۱). با توجه به تعریف وفق مشخص است که قلمرو حاکمیت شامل سه قسمت قلمرو زمینی، قلمرو دریایی و قلمرو هوایی است. علاوه بر این سه موارد دیگری نیز وجود دارند که بنا به ملاحظات خاصی از لحاظ آثار و نتایج مترتب بر آن در حکم قلمرو حاکمیت به شمار می آیند. این موارد شامل کشتی ها، هواپیماها، سرزمین های اشغال شده و سفارتخانه ها می شوند. توضیح هر یک از موارد فوق در این مقال نمی گنجد لیکن قسمت اخیر بند «پ» ناظر بر همین مواردی است که در حکم قلمرو محسوب می شود. بند «پ» تنها به صلاحیت سرزمینی اشاره کرده است اما به نظر می رسد در صورتی که دولت مورد درخواست بنا به سایر موارد نیز خود صالح به رسیدگی باشد به دلیل حاکمیت و سیادت آن دولت نمی توان قائل به قبول درخواست استرداد شد مگر پس از پایان تعقیب کیفری یا اجرای مجازات (ماده ۱۱ قانون راجع به استرداد مجرمین). در بند «الف» ماده ۳ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزهدکار نیز از زمره موارد رد استرداد پیش بینی شده است لیکن از موارد صلاحیت واقعی و صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه دیده سخنی به میان نیامده است. در صورت وجود صلاحیت واقعی می توان بر اساس بند ۳ ماده ۳ از استرداد امتناع کرد. به نظر می رسد در صورتی که دولت ایران وفق ماده ۸ قانون مجازات اسلامی (صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه دیده) خود صالح به رسیدگی باشد وفق استدلال پیش گفته باید قائل به رد درخواست استرداد شد. در خصوص صلاحیت جهانی نیز باید گفت در صورتی که

مرتکب جرم جهانی ایرانی باشد و جرم ارتكابی مشمول عنوان حد باشد در این صورت بنا بر تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی موضوع از شمول ماده ۷ قانون مجازات اسلامی خارج است و در صورتی که متهم سابقا از سوی دولتی تحت تعقیب قرار گرفته باشد صلاحیت دولت ایران زایل نشده (کلانتری، شیرزادی فر، ۱۳۹۴: ۵۷) و می تواند از موارد رد درخواست استرداد باشد البته وفق ماده ۱۱ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ در صورتی که تقاضای استرداد در حین تعقیب یا اجرای مجازات باشد دولت ایران می تواند شخص مورد تقاضا را موقتا به دولت تقاضا کننده تسلیم کند مشروط به اینکه دولت تقاضا کننده متعهد شود پس از خاتمه رسیدگی او را به دولت ایران تسلیم کند.

بخش چهارم: سایر موارد عدم استرداد

طبق بند «ت» ماده ۳ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق، یکی دیگر از موارد عدم استرداد زمانی است که طبق قوانین و مقررات یکی از طرف های متعاقد موضوع قابل تعقیب یا حکم قابل اجراء نباشد. با این توضیح که اگر رفتار ارتكابی مشمول مروز زمان تعقیب یا اجرا شده باشد یا موضوع مشمول اعتبار امر مختوم یا سایر موارد موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا باشد استرداد امکان پذیر نیست و تقاضای آن رد می شود. هم چنین زمانی که استرداد مخالف حاکمیت، امنیت، نظم عمومی یا قانون اساسی طرف مورد درخواست باشد استرداد امکان پذیر نخواهد بود و به موجب بند «ث» ماده ۳ تقاضای استرداد رد خواهد شد. مشخص است که تشخیص این موارد بر دولت متعاقد درخواست شونده است چرا که حفظ امنیت و نظم عمومی و پاسداری از قانون اساسی بر عهده دولت ها می باشد و دولت ها به دلیل عدم اعتماد به یکدیگر هیچ گاه این امور را به سایر دولت ها واگذار نمی کنند و وفق نظریه اقتدار دولت که طبق آن دولت بزرگترین ناظم هدف هاست و قدرت آن حدی ندارد مگر اینکه خود برای خود قائل شود، دولت این قدرت را در جهت حفظ منافع جمعیتی به کار می برد که نماینده اوست (پوروافرانی، ۱۳۹۸: ۵۳).

بخش پنجم: روش استرداد

در حقوق کیفری بین الملل جهت استرداد مجرمین از روش های اداری، قضایی و نیمه اداری و نیمه قضایی استفاده می شود (عبدی، کشکولیان، ۱۳۹۵: ۸). روش اداری: اقدام با این روش بسیار ساده است. رسیدگی به تقاضاء و تشخیص این که شرایط پیش بینی شده مورد رعایت قرار گرفته است یا نه، با مقامات اجرایی (دولتی) است. در حقیقت رسیدگی به شرایط استرداد و احراز وجود آنها یکی از وظایف اجرائی دولت به شمار می آید. در این استرداد بدون هیچ گونه تشریفات قضائی به وسیله قوه مجریه انجام می شود به همین جهت می توان مزیت این روش را سرعت اجرای استرداد دانست، لیکن از لحاظ احترام به حقوق بشر و آزادی های متهم و حقوق دفاعی، روش مناسبی به نظر نمی رسد (همان). روش قضائی: برحسب این روش، بررسی تقاضا استرداد و تشخیص وجود یا عدم وجود شرایط با مقامات قضائی است. در این روش به شخص مورد تقاضا اجازه و امکان داده می شود که با تدارک دلایل و مدارک از خود دفاع و اگر شرایط استرداد وجود نداشته باشد، آن را اعلام کند، حتی متهم برای دفاع از خود می تواند وکیل مدافع انتخاب کرده و آزادی مشاوره با وکیل مدافع را داشته باشد. بدیهی است که طرز رسیدگی در سیستم قضائی بیشتر با اصول آزادی وفق می دهد، لیکن باید دانست روش مذکور دارای معایبی نیز است، که طولانی شدن اجرای استرداد به دلیل طی کردن کامل مراحل رسیدگی در محاکم کشور متقاضی عنه از جمله معایب این روش است (همان: ۹).

روش نیمه قضائی و نیمه اداری: امروزه اکثر کشورهای جهان از این سیستم در استرداد استفاده می کنند. سیستم مختلط با سیستم هدف حفظ و جمع مزایای هر دو سیستم و حذف معایب آن امروزه به عنوان یک سیستم کارا در اکثریت کشورها مورد استفاده قرار می گیرد. در حالت پدیده استرداد هم باید اعمال اداری و ملاحظات سیاسی و هم برای تضمین آزادی ها و حقوق متهم، تشریفات قضائی در نظر گرفته شود. البته بدین نکته اشاره شود که در برخی سیستم ها، جنبه قضائی در استرداد بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در برخی از سیستم ها جنبه اداری و سیاسی بیشتر مورد نظر است و آراء قضائی برای استرداد یا عدم استرداد جنبه مشورتی برای

دولت دارد (همان). در موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق روش استرداد پیش بینی نشده است لیکن در قانون استرداد مجرمین، برای رسیدگی به تقاضای استرداد، از روش قضایی تبعیت شده است که به موجب ماده ۱ قانون استرداد مجرمین (در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده و یا اگر منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد) این مقررات بر توافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق نیز حاکم است. به موجب ماده ۱۳ قانون استرداد مجرمین تقاضانامه استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد. در صورتی که وزارت دادگستری استرداد را منطبق با مقررات این قانون تشخیص دهد، پرونده امر را به دادسرای شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در آن سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد، به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود، که در جلب و بازداشت او اقدام نماید. طبق ماده ۱۴ قانون فوق دادستان عمومی ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت، تحقیقات لازم را از شخص مورد تقاضا به عمل می آورد و پس از اقدامات لازم پرونده امر را به دادگاه صالحه می فرستد. همچنین به موجب ماده ۲۰ دادستان عمومی می تواند، در موارد فوری، بنا به درخواست مستقیم مراجع قضایی کشور تقاضا کننده، شخص مورد تقاضا را بازداشت کند؛ مشروط به اینکه در تقاضانامه قید شده باشد که اوراق و مدارک استرداد ارسال خواهد شد. این مورد تحت عنوان بازداشت موقت در موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق پذیرفته شده است. وفق ماده ۷ این توافقتنامه در موارد فوری، مقامات صلاحیتدار طرف متعاهد درخواست کننده می توانند بازداشت موقت شخص مورد نظر را درخواست کنند. در این صورت مقامات صلاحیتدار طرف متعاهد درخواست شونده در مورد بازداشت فرد مزبور طبق قوانین داخلی خود اتخاذ تصمیم خواهند کرد. در درخواست بازداشت، طرف متعاهد درخواست کننده باید به حکم قضایی یا قرار بازداشت استناد و اعلام کند که در اسرع وقت ممکن، درخواست استرداد فرد مزبور را ارسال خواهد نمود. طرف متعاهد درخواست شونده، هرگاه درخواست استرداد فرد مورد درخواست

استرداد را ظرف سی روز از تاریخ بازداشت مذکور در بند (۲) این ماده دریافت نکند، دستور آزادی شخص موردنظر را خواهد داد. به موجب ماده ۱۵ قانون استرداد مجرمین دادگاه در جلسه ای خارج از نوبت، موضوع را مورد بررسی قرار می دهد. شخص بازداشت شده به هنگام طرح پرونده در دادگاه می تواند برای خود وکیل مدافع و در صورت نیاز مترجم انتخاب کند. چنانچه رای دادگاه بر رد استرداد صادر شود، شخص بازداشت شده باید فوراً آزاد گردد؛ و اگر رای قطعی مبنی بر قبول استرداد باشد، وزارت دادگستری دستور اجرای آن را به دادستان صادر می کند و مراتب را به اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رساند تا به دولت تقاضا کننده اعلام کند. رای صادره وفق ماده ۱۶ از طرف دادستان و شخص مورد تقاضا قابل اعتراض است. رسیدگی به اعتراض نیز در جلسه اداری در دادگاه استان به عمل می آید که این رای غیر قابل اعتراض است. چنانچه رای مبنی بر قبول استرداد صادر شود اجرای آن با دادستان است (ماده ۱۸ قانون استرداد مجرمین). هم چنین به موجب ماده ۱۲ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق چنانچه شخص مورد استرداد در تاریخ مقرر تحویل گرفته نشود، طرف متعاهد درخواست شونده او را پس از پانزده روز آزاد خواهد کرد و به هر حال نباید برای مدت بیش از سی روز از تاریخ مورد توافق برای استرداد در بازداشت بماند. در این صورت طرف متعاهد درخواست شونده به تصمیم قبلی خود در مورد استرداد ملزم نبوده و می تواند درخواست استرداد او به لحاظ ارتکاب همان جرم را مجدداً مورد بررسی قرار دهد. در حال حاضر انجام امور استرداد مجرمین و کلاً هر آنچه مربوط به معاضدت قضایی بین المللی می شود، بر طبق دستورالعمل راجع به استرداد مجرمین و معاضدت قضایی بین المللی مورخ ۹۲/۳/۱۲ رئیس قوه قضاییه در نهادی تحت عنوان اداره کل امور بین الملل قوه قضائیه متمرکز شده است. به این صورت که تمامی درخواست های استرداد مراجع قضائی داخلی اعم از دادسراها و دادگاه ها همراه با مستندات مربوط به این اداره کل ارسال می شود (ماده ۱ دستورالعمل). بر طبق ماده ۳ این دستورالعمل هم اداره کل امور بین الملل موظف است با هماهنگی مرجع قضایی مربوطه نسبت به رفع نقائص احتمالی و هماهنگی برای ترجمه مدارک اقدام نموده و با تنظیم درخواست خطاب به مقام قضایی خارجی، مطابق مقررات، درخواست

مقام قضایی ایرانی را به اطلاع مرجع ذیربط خارجی برساند و مراتب را تا حصول نتیجه پیگیری کند و تصویری از مدارک را جهت پیگیری و تسریع در کار به پلیس بین الملل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ارسال نماید. وفق ماده ۷ دستورالعمل نیز تمامی درخواست های استرداد مراجع قضایی خارجی هم که برای وزیر دادگستری یا دادستان کل کشور یا هر مقام و مرجع ایرانی دیگری ارسال می شود، عینا جهت انطباق با مقررات قانونی به اداره کل امور بین المللی قوه قضائیه ارسال می گردد (پوربافرانی، ۱۳۹۸: ۲۲۶).

بخش ششم: محدودیت های دولت متعاهد درخواست کننده

پس از استرداد شخص مورد تقاضا، دولت متعاهد درخواست کننده نمی تواند به هر گونه جرم ارتكابی توسط شخص تسلیم شده رسیدگی و اعمال مجازات کند، بلکه رسیدگی دارای محدودیت هایی می باشد. به موجب ماده ۱۱ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق چنانچه شخص مورد تقاضا قبل از تسلیم مرتکب جرمی شده باشد و وی به دلیل ارتكاب این جرم مسترد نشده باشد، دولت متعاهد درخواست کننده نمی تواند به این جرم رسیدگی کند مگر اینکه موافقت طرف متعاهد درخواست شونده را جلب کند. در این مورد به موجب بند ۲ ماده فوق اگر شخص مسترد شده در طی پانزده روز بعد از پایان پیگرد جزایی، قلمرو طرف متعاهد درخواست کننده را ترک نماید یا بعد از ترک آن داوطلبانه به آنجا بازگردد، دیگر جلب موافقت طرف متعاهد درخواست شونده لازم نمی باشد. مدتی که طی آن شخص مذکور به علل موجه نتواند قلمرو آن طرف متعاهد را ترک نماید، جزء این مدت محسوب نخواهد شد. محدودیت دیگر دولت متعاهد درخواست کننده در رسیدگی به جرم شخص مورد تقاضا، تغییر وصف مجرمانه در خلال رسیدگی است که تنها در صورتی امکان ادامه تعقیب و محاکمه وجود دارد که وصف مجرمانه جدید شرایط مقرر در ماده ۲ موافقتنامه که قبلا توضیح داده شد را داشته باشد. محدودیت دیگر مربوط به تسلیم شخص تسلیم شده به دولت ثالث است. به موجب بند ۴ ماده ۱۱ موافقتنامه استرداد مجرمین شخص مسترد شده را به علت جرم

هایی که پیش از تسلیم وی ارتکاب یافته است، نمی توان بدون موافقت طرف متعاقد درخواست شونده به دولت ثالث تسلیم نمود.

نتیجه گیری

موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق در سال ۹۱ در بیست ماده به تصویب رسید. یکی از اصول استرداد مجرمین در حقوق کیفری بین الملل، اصل عدم استرداد در جرایم و مجازات های کم اهمیت است که در ماده ۲ این موافقتنامه این اصل رعایت شده است. در صورتی که رسیدگی به اتهام شخص مورد تقاضا منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشد در این صورت مجازات قانونی جرم ارتكابی نباید کمتر از یک سال باشد. در صورتی هم که حکم قطعی صادر شده باشد در این صورت مجازات قضایی نباید کمتر از شش ماه باشد. اصل مجرمیت متقابل نیز یکی از اصول حقوق کیفری بین الملل در خصوص استرداد مجرمین است که در بند ۱ ماده ۲ موافقتنامه فوق پذیرفته شده است. در صورت صلاحیت دولت متعاقد درخواست شونده و در صورتی که جرمی که به موجب آن درخواست استرداد شده است، سیاسی یا نظامی محسوب شود و یا اینکه وفق قوانین یکی از طرف های متعاقد موضوع قابل تعقیب یا حکم قابل اجرا نباشد به موجب ماده ۳ موافقتنامه درخواست استرداد رد خواهد شد. هم چنین اگر یکی از طرف های متعاقد استرداد را مخالف حاکمیت، امنیت، نظم عمومی یا قانون اساسی بداند وفق ماده فوق در خواست استرداد رد خواهد شد. روش استرداد در موافقتنامه پیش بینی نشده است لیکن طبق قانون استرداد مجرمین روش قضایی در خصوص استرداد مجرمین در حقوق ایران پذیرفته شده است که یک پروسه کاملاً قضایی می باشد و تنها در مرحله تجدید نظر، رسیدگی به اعتراض در جلسه اداری به عمل می آید. هم چنین اجرای استرداد نیز از وظایف دادستان است که یک مقام قضایی می باشد. پس از استرداد شخص مورد تقاضا، دولت متعاقد درخواست کننده حق رسیدگی به هر اتهامی را ندارد بلکه در صورت رسیدگی به اتهام هایی غیر از آنچه که مورد درخواست استرداد بوده و قبل از استرداد ارتکاب یافته باشد باید موافقت دولت متعاقد استرداد کننده نیز اخذ شود. هم چنین شخص

مسترد شده را به علت جرم هایی که پیش از تسلیم وی ارتکاب یافته است، نمی توان بدون موافقت طرف متعاهد درخواست شونده به دولت ثالث تسلیم نمود. در صورتی هم که در خلال رسیدگی عنوان اتهامی تغییر کند، جرم جدید باید شرایط مقرر در ماده ۲ موافقتنامه را داشته باشد.



منابع و مأخذ

۱. اسداللهی، حسین (۱۳۹۱)، تجزیه و تحلیل جرم نظامی و تفاوت آن با جرم عمومی، فصلنامه مطالعات انتظامی شرق، پیش شماره، صص ۷۸-۶۳
۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی
۳. یوربافرانی، حسن (۱۳۹۸)، حقوق جزای بین الملل، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات جنگل
۴. خالقی، علی (۱۳۸۱)، مقدمه ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین الملل، پژوهش های حقوقی، شماره ۲
۵. دل افروز، مصطفی، لطفی، فروزان (۱۳۹۷)، استرداد مجرمین در نظام های حقوقی ایران و کانادا و حقوق بین الملل، فصلنامه علمی- حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره هشتم، صص ۱۳۴-۱۰۹
۶. زندیان، نهال (۱۳۹۸)، بررسی جرم سیاسی در ایران با تاکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵، فصلنامه بین المللی قانون یار، صص ۳۰-۷
۷. عبدی، محمد رضا، کشکولیان، عباس (۱۳۹۵)، بررسی نقش پلیس بین الملل در اجرای قراردادهای استرداد مجرمین، سومین کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، صص ۱۷-۱
۸. فروغی، فضل اله، جودکی، بهزاد (۱۳۹۶)، راه حل های تعارض صلاحیت در قلمرو حقوق جزای بین الملل، مجله حقوقی بین الملل، شماره ۵۷، صص ۲۸۵-۲۴۹
۹. کلانتری، کیومرث، شیرزادی فر، شیرزاد (۱۳۹۴)، محدوده اعتبار احکام کیفری خارجی صادره مطابق صلاحیت جهانی در دادگاه های ایران، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره دهم، صص ۶۳-۴۱
۱۰. کلانتری، کیومرث (۱۳۹۴)، مجموعه قوانین و مقررات همکاری های بین المللی ایران و کشورهای جهان در زمینه کیفری، تهران: انتشارات مجد

۱۱. محسنی، مرتضی (۱۳۷۶)، دوره حقوق جزای عمومی، جلد ۳، چاپ دوم، تهران:

گنج دانش

۱۲. معین، محمد (۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر

۱۳. میرمحمد صادقی، حسین، ایزدیار، علی (۱۳۹۲)، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه

با تاکید بر قانون مجازات اسلامی جدید، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۵، صص

۳-۳۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی